

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات منطقه ای

## موضوع :

**مقایسه روابط فراآتلانتیک در دور اول و دور دوم**

**ریاست جمهوری جورج بوش**

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر چگینی زاده

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر دهقانی فیروز آبادی

استاد داور :

جناب آقای دکتر متقی

دانشجو :

حسن نجفی

ورودی ۸۵-۸۴

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست

| صفحه | عنوان  |
|------|--|
|      | <b>فصل اول : طرح تحقیق و کلیات</b>                                       |
|      | طرح موضوع  |
|      | علل انتخاب موضوع   |
|      | سئوال اصلی   |
|      | فرضیه اصلی   |
|      | متغیرها  |
|      | روش تحقیق  |
|      | مروری بر ادبیات پیشین  |
|      | ساختار و سازماندهی پژوهش   |
|      | <b>فصل دوم : چارچوب نظری پژوهش</b>                                       |
|      | گفتار اول : رهیافت رئالیسم تهاجمی  |
|      | الف - مفروضات پایه ای رئالیسم تهاجمی                                     |
|      | ب - الگوی رفتاری قدرت های بزرگ   |
|      | گفتار دوم : رئالیسم تهاجمی و جایگاه ایالات متحده در آن                   |
|      | <b>فصل سوم : بررسی روابط فراآتلانتیک تا سال ۲۰۰۳</b>                     |
|      | گفتار اول : نگاهی گذرا به روابط اروپا - امریکا در دور جنگ سرد و پس از آن |
|      | گفتار دوم : روابط اروپا - امریکا پس از ۱۱ سپتامبر                        |

|  |  |
|--|--|
|  | یکجانبه گرایی امریکا ؛ چالش فراآتلانتیک                      |
|  | عراق ؛ رویکرد متفاوت امریکا - اروپا                          |
|  | بحران عراق ؛ اجماع اروپایی یا اختلاف نظر                     |
|  | عراق ؛ خطوط گسل  |
|  | گفتار سوم : چالش و تعاملات اروپا - امریکا (دور اول دولت بوش) |
|  | الف - حوزه سیاسی و دفاعی - امنیتی                            |
|  | ۱- ناتو و روابط فراآتلانتیک                                  |
|  | ۲- شکاف در پیمان ناتو  |
|  | ۳- ارتش مستقل اروپایی : چالش فراآتلانتیک                     |
|  | ۴- طرح دفاعی ملی موشکی                                       |
|  | ۵- نادیده گرفتن معاهدات و پیمان های بین الملل                |
|  | ب - حوزه خاورمیانه   |
|  | ۱- مسئله تروریسم   |
|  | ۲- روند صلح اعراب - اسرائیل                                  |
|  | ۳- پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا                             |
|  | ۴- دموکراتیزه کردن کشورهای خاورمیانه بزرگ                    |
|  | <b>فصل چهارم : روابط فراآتلانتیک از سال ۲۰۰۳ به بعد</b>      |
|  | <b>مقدمه</b>   |
|  | گفتار اول : بازسازی روابط پس از جنگ ؛ تقویت اتحاد آتلانتیکی  |
|  | گفتار دوم : همسویی فراآتلانتیک و تلاش های چند جانبه گرا      |

|  |  |
|--|--|
|  | ناتو؛ دوران بازگشت به هماهنگی و همکاری   |
|  | گسترش ناتو به شرق و مسئله روسیه  |
|  | مسئله کوزوو  |
|  | بحران هسته ای کره شمالی : تلاشی چند جانبه  |
|  | مناقشه اعراب و اسرائیل : تقویت اتحاد   |
|  | استقبال محتاطانه اروپا از ابتکار خاورمیانه بزرگ                                    |
|  | گفتار سوم : راهبرد اروپا - آمریکا در قبال ایران : مطالعه موردی بحران هسته ای ایران |
|  | مقدمه  |
|  | الف - نگاه آمریکا به ایران پس از حوادث ۱۱ سپتامبر                                  |
|  | ب - اروپا و ایران پس از ۱۱ سپتامبر   |
|  | ج - نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه های اروپا و آمریکا درباره ایران                    |
|  | د - مواضع آمریکا در قبال بحران هسته ای ایران                                       |
|  | ۱- آمریکا و بحث هسته ای ایران پس از ۱۱ سپتامبر                                     |
|  | ۲- نومحافظه کاران ، پرونده هسته ای و روابط فرآتلانتیک                              |
|  | ه - اهداف چندگانه اروپا در پرونده هسته ای ایران و موضع گیری کابینه بوش             |
|  | و - همسویی فرآتلانتیک : گزارش هسته ای ایران به شورای امنیت                         |
|  | ن - عبور از تفاوت هایی تاکتیکی : گزارش هسته ای ایران به شورای امنیت                |
|  | فصل پنجم : مقایسه روابط اروپا - آمریکا در دور اول و دور دوم دولت                   |

|  |   |
|--|---|
|  | <b>بوش</b>  |
|  | گفتار اول : مولفه های موثر در اتخاذ رویکرد چند جانبه دولت بوش |
|  | ۱ - آرایش جدید نخبگان در فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری بوش   |
|  | ۲ - انتخابات میان دوره ای کنگره (نوامبر ۲۰۰۶)                 |
|  | ۳ - تعدیل در سیاست های پنتاگون                                |
|  | ۴ - نقش فزاینده وزارت خارجه                                   |
|  | ۵ - نفوذ افکار عمومی و نقش موسسات تحقیقاتی و پژوهشی           |
|  | ۶ - آسیب پذیری موقعیت جهانی امریکا                            |
|  | ۷ - افزایش تهدیدات تروریستی                                   |
|  | ۸ - فاجعه ژئوپلیتیکی  |
|  | گفتار دوم : بازسازی اتحاد آتلانتیکی : افزایش همکاری ها        |
|  | <b>نتیجه گیری</b>   |

# فصل اول

طرح تحقیق و کلیات

## فصل اول : طرح تحقیق

### طرح موضوع

نخستین دهه پس از جنگ سرد ، دوران نسبتاً مناسبی برای اجرای مقاصد استراتژیک ایالات متحده بود . همگونی اقتصادی و نظامی امریکا یک ساختار بین المللی تک قطبی ایجاد نموده بود که به نوبه خود ، شالوده استقرار ثبات جهانی را شکل می داد . سلسله مراتب و نظم که به طور طبیعی از عدم تقارن قدرت سرچشمه گرفته ، ترسیم یک دور نمای تازه بین المللی و استراتژی کلان جدید را غیر ضروری جلوه می داد .<sup>۱</sup>

در این دوران امریکا با تفوق نظامی ، اقتصادی و حتی فرهنگی به قدرتی بی رقیب تبدیل شد . و به دنبال تحکیم و تثبیت جایگاه هژمونیک خود در نظام بین المللی برآمد . هرچند تلاش امریکا برای تثبیت هژمونی از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ آغاز گردید ، اما روی کارآمدن نومحافظه کاران به رهبری بوش پسر و وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر فرصتی استثنایی برای زمامداران امریکا فراهم کرد تا به طور یک جانبه برای تثبیت هژمونی خود در قرن بیست و یکم گام بردارند . امریکا میان قدرت نظامی ، سیاسی و اقتصادی خود با رقبا و متحدین دیگر به قدری فاصله احساس می کند که علاقمند نیست در هر موضوعی و در هر شرایطی «مشارکت در تصمیم گیری» داشته باشد . بلکه در چنین فضایی یک نوع خود برترینی ، رضایت از خود ، بی تفاوتی و روحیه تهاجمی در جامعه امریکا بوجود آمد که به قول «چارلز کرائنر» «یکجانبه گرایی

---

1 . کوپچان ، چارلز ، «هژمونی توخالی یا نظام چند قطبی با ثبات» ، در جی . جان ایکنبری ، «تنها ابر قدرت : هژمونی امریکا در قرن ۲۱» ، ص ۱۱۱ .

نوبن» امریکا نامیده می شود. بدین معنی که قدرت امریکا و تک قطبی بودن نظام بین الملل این اجازه را به امریکا داد تا به یکجانبه و بدون توجه به سایر کشورها در سطح جهان عمل کند.<sup>۱</sup>

در مقابل کشورهای اروپایی نسبت به روش یکجانبه امریکا در سیاست خارجی، که گفته می شود با گرایش اروپا به اهمیت دادن به «مذاکره، مصالحه و خصایص محدودیت های پذیرفته شده» در تناقض است، اعتراض کرده اند. این انتقادات در ماه های اول دولت جورج دبلیو بوش، به خاطر رد پروتکل کیوتو و تهدید به صرف نظر از معاهده منع موشک های بالستیک شددت گرفت. لذا شاهد شکاف های اساسی و مفهومی در زمینه تعیین اولویت ها و منطق برنامه ریزی های گروهی مجموعه غرب، بالاخص اروپا و آمریکا هستیم.<sup>۲</sup> حادثه ۱۱ سپتامبر به کاتالیزوری برای تحقق نیازهای هژمونیک امریکا تبدیل شد. این کشور دو استراتژی عمده را اتخاذ کرد: استراتژی مبارزه با تروریسم و سلاح های کشتار جمعی. جنگ افغانستان و عراق نمونه اجرای عملی دو استراتژی فوق است. رفتار یکجانبه ایالات متحد، در حمله به عراق اوج یکجانبه گرایی این کشور را نشان داد. لذا دو خط گسل مهم را بیش از پیش نمایان ساخت: یکی گسل میان کشورهای اروپایی، در قالب کشورهای آتلانتیک گرا (مثل انگلیس) و اروپا گرا (مثل فرانسه) و دیگری شکاف میان امریکا و اروپا (با تاکید بر جوامع اروپایی در قالب اتحادیه اروپا).

---

1. سریع القلم، محمود، «مبانی نظری سیاست خارجی بوش»، فصلنامه اسرائیل شناسی - امریکا شناسی.

2. Rubin Hames, "Building a New Atlantic Alliance", Restoring Americas partnership with Europe, Foreign Affairs, July/August 2008, p.101

اما به دنبال بحران عراق و وضعیت دردناک دولت بوش در آن کشور ، که به قول رابرت جرویس به «پاشنه آشیل» دکتین بوش تبدیل شد ، ایالات متحده که پیشتر گفته بود در پاسخ به فقدان حمایت بین المللی از ماموریت خطیر این کشور در عراق باید به «تنبیه فرانسه ، نادیده گرفتن آلمان و بخشیدن روسیه اقدام کند» ، اکنون نگاه تحقیر آمیز خود را هم نسبت به وجود معماری در امور خارجی و هم نسبت به تصمیم گیری جمعی متحدان ، تفهیم می کرد.<sup>۱</sup>

پی آمد جنگ عراق و انتقاد گروه های مختلف از یکجانبه گرایی و جنگ پیش دستانه منجر به تغییرات محدودی در رفتار امنیتی و راهبرد دفاع ملی امریکا گردید . رابرت گیتس برخلاف رامسفلد درصدد برآمد تا برای چند جانبه گرایی در رفتار راهبردی امریکا با متحدان (اروپایی) در روند بحران های منطقه ای (و حتی جهانی) ابتکارهای موثری را به کار گیرد . در این ارتباط ، موضوع جنگ پیش دستانه تحت الشعاع چند جانبه گرایی ، ائتلاف و نهادگرایی قرار گرفت . از سویی شاهد جابجایی رفتار راهبردی امریکا از فضای پیش دستانه پس از ۱۱ سپتامبر به حوزه بازمانده و از الگوی معطوف به یکجانبه گرایی به نشانه های از چند جانبه گرایی طی سال های ۲۰۰۶ به بعد هستیم .<sup>۲</sup> لذاست که دولت بوش در دور دوم ریاست جمهوری خود به دنبال احیای رفتار مبتنی بر نزاکت در دو سوی اقیانوس اطلس و همکاری نزدیک استراتژیک برآمد . چرا که اعمال رهبری جهانی در چنین شرایطی مستلزم نوعی معماری بین المللی و

---

1 . برژنیسکی ، زیگنیو ، «فرصتی دوباره» ، ترجمه حسن عبدی و سینا مالکی ، انتشارات صمدیه ، ۱۳۸۷ .  
2 . متقی ، ابراهیم ، «تحول در راهبرد دفاع ملی امریکا» از جنگ پیش دستانه تا بازدارندگی منطقه ای ، فصلنامه راهبرد دفاعی ، سال ششم ، شماره ۲۲ ، پائیز ۱۳۸۷ ، ص ۵۴ .

اتخاذ رویکردی چندجانبه گرا می باشد؛ ایالات متحده با این رویکرد از یک طرف به «متحدانش اطمینان خواهد داد که از قدرتش توأم با عقلانیت و محدودیت استفاده خواهد کرد» و از طرفی با اتخاذ نشانه هایی از رفتارهای چند جانبه گرا در سیاست خارجی سعی در استفاده از پتانسیل بازیگران محوری نظام بین الملل<sup>۱</sup> همچون اروپا برای مواجهه با چالش های هژمونی خود بر خواهد آمد.

همان طوری که نو واقع گرایان معتقدند این ساختار نظام بین الملل و در واقع نحوه توزیع قدرت و توانمندی های درون نظام است که به رفتار بازیگران شکل می دهد. طبق این مفروضه، ساختار نظام بین الملل کنونی نظام هژمونیک و هژمونی آن امریکاست. لذا این کشور برای بقای خویش و حفظ امنیت مانند هر کشور دیگری جز اصل خودیاری و منافع خود یکسری رویکردهایی را در سیاست خارجی اتخاذ می کند. این امر را می توان در زمره مقتضیات ساختاری نظام بین الملل و دگرگونی فضای قدرت بازیگران مورد توجه قرار داد.<sup>۲</sup>

جیمز روبین در مقاله خود در فارین افیرز در ژولای و اگوست ۲۰۰۸ مطرح می کند تاکید واشنگتن بر دیپلماسی و تغییر جهتش از یکجانبه گرایی و جنگ طلبی به متعاقد سازی و سیاست خارجی چند جانبه گرا، تاثیر مفیدی بر روابط اروپا - امریکا گذاشته است.<sup>۳</sup>

لذا با توجه به طرح موضوع سؤال و فرضیه به شکل ذیل شکل می گیرد:

---

1. برژنيسكى، پيشين .

2. متقى، ابراهيم، پيشين، ص ۵۵.

3. Rubin, James, op. cit. p. 102 .

## سؤال اصلی :

چه عواملی باعث ایجاد تغییر در روابط ایالات متحده با اروپا در دور دوم ریاست جمهوری بوش شده است ؟

## فرضیه :

محدودیت های ساختار بین الملل و تحولات داخلی آمریکا ضمن چرخش سیاست خارجی آمریکا از یکجانبه گرایی به چند جانبه گرایی در دور دوم دولت بوش منجر به نزدیکی ایالات متحده به اروپا گردید .

## متغیرها :

متغیر مستقل : شاخص های ساختار بین الملل و تحولات داخلی آمریکا

متغیر وابسته : روابط فرآتلانتیک

## روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش روش مطالعه مقایسه ای می باشد .

## مروری بر ادبیات پیشین :

آثاری که سیاست یکجانبه گرایی امریکا و رد چندجانبه گرایی و تاثیر آن بر روابط اروپا را مورد بررسی قرار داده اند ، از جمله این آثار مقاله ای است تحت عنوان «Reacting to America» که توسط نیکل نسوتو (Nicole G.Nessoto) در سال ۲۰۰۴ در مجله Survival انتشار یافته است . نیکل در مورد سیاست یکجانبه گرایی امریکا و آثار آن بر روابط امریکا - اروپا مطرح می کند که اتخاذ این سیاست از سوی واشنگتن ضربه محکمی به روابط فرآتلانتیکی وارد کرده است . وی در این باره می گوید : رد چندجانبه گرایی سیاسی ، خواه مربوط به کنترل تسلیحاتی ، محیط زیست ، سازمان ملل و حتی ناتو ، بدون شک بارزترین تحول در سیاست خارجی امریکا و نگران کننده ترین موضع برای متحدین اروپایی امریکاست . مقاله دیگری که توسط رونالد آسموس ، دستیار ارشد شورای روابط خارجی ، تحت عنوان «بازسازی اتحاد آتلانتیکی» در سپتامبر و اکتبر ۲۰۰۳ در فارین افریز به چاپ رسید که در آن نویسنده ضمن اذعان به شکاف دو سوی آتلانتیک معتقد است که شکاف فرآتلانتیکی پس از جنگ عراق منوط به رشد عدم تقارن موجود در قدرت دو سوی آتلانتیک است . از نظر وی عدم تقارن قدرت باعث فاصله گرفتن ایالات متحده و اروپا در پاره ای موضوعات و ضعف روز افزون همکاری استراتژیک فرآتلانتیکی قلمداد می شود . از نظر رونالد آسموس دولت بوش می بایست با نگرانی ها و توجهات اروپایی ها ، نسبت به روش یکجانبه دولت وی ، به عنوان بخشی از ایجاد ائتلافی گسترده تر همراهی می نمود . حال آنکه روش یک جانبه گرایانه دولت امریکا منجر گردید که متحدان اروپایی

امریکا حتی آنهایی که امریکا را در جنگ حمایت نمودند ، به صورت خصوصی از ضعف رایزنی و ناکارآمدی دیپلماتیک دولت امریکا شکایت کنند . از نظر وی ، بازسازی اتحاد امریکا - اروپا نیازمند این است که دو کشور هدف استراتژیک مشترکی را مبنی بر مقابله با چالش های مهم جاری اتخاذ کنند . این امر نیازمند عقب نشینی دولت بوش از الگوهای یکجانبه گرایی و عطف توجه به الگوهای معطوف به چند جانبه گرایی است . مقاله دیگری تحت عنوان «Building a New Atlantic Alliance» توسط جیمز روبین در «فارین افیرز» در ژولای و اگوست ۲۰۰۸ به چاپ رسیده است . در این مقاله نویسنده مطرح می کند که دور دوم دولت بوش ، در رابطه با مقولاتی چون رابطه با ایران ، روند صلح ، کره شمالی و مسائل محیط زیست مورد استقبال اروپا قرار می گیرد . به نظر وی تاکید واشنگتن بر دیپلماسی و تغییر جهتش از یکجانبه گرایی و جنگ طلبی به متقاعد سازی و سیاست خارجی چندجانبه گرا ، تاثیر مفیدی بر روابط اروپا - امریکا گذاشته است . وی می افزاید چالش های پیش روی امریکا آسیب وارده به مشروعیت جهانی امریکا و ظهور بازیگران قدرتمندی در آسیا و فاجعه ژئوپولیتیکی تروریستی ایجاد شده در جهان ، همه و همه قدرت امریکا را در سطح نظام بین الملل متاثر ساخته لذا امریکا برای مواجهه با آنها نیازمند استفاده از نوعی سیاست خارجی چند جانبه گرا می باشد . و لذا واشنگتن باید اتحادش را با اروپا بازسازی کرده و به حداکثر برساند ، چرا که آسیب وارده به مشروعیت جهانی امریکا به حصول دوباره حمایت هم پیمانانش نیازمند است .

مقاله دیگر تحت عنوان «نارضایتی فزاینده جهان از سیاست خارجی دولت بوش» به قلم «ریچارد آرمیتاژ و جوزف نای» در همشهری دیپلماتیک به چاپ رسیده است که در آن دو نویسنده اشاره دارند به اینکه رویکرد یکجانبه و تنگ نظرانه بعد از ۱۱ سپتامبر به کانون و محور روابط امریکا با دیگر کشورها، بویژه اروپا تبدیل شد و ایالات متحده را همه دنیا دور نموده است. لذا ایالات متحده در مواجهه با مشکلات پیش رو، ضمن توجه به قدرت نرم بایستی به تقویت اتحادها، هم پیمانی‌ها و چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی روی آورد.

مقاله دیگری توسط دکتر ابراهیم متقی تحت عنوان «چالش‌های امریکا در خاورمیانه... امنیت مشاع» در همشهری دیپلماتیک نیمه دی ماه ۸۶ به چاپ رسید که در آن نویسنده اشاره دارد که «پایپ و نای معتقدند به مخاطره افتادن هژمونی، طیف گسترده‌ای از مخاطرات امنیتی را برای امریکا و سایر بازیگران بوجود می‌آورد. به نظر آنان اصلی‌ترین روش عبور از بحران این است که اقدامات جدید ماهیت چندجانبه داشته و مسئولیت جمعی کشورها را ایجاد کند».

مقاله‌ای توسط دکتر دهقانی فیروز آبادی تحت عنوان «اتحادیه اروپا و بحران عراق» در فصلنامه سیاست خارجی در زمستان ۱۳۸۳، به چاپ رسید که در آن مقاله نویسنده ضمن اشاره به این که اروپا بهترین شیوه برخورد با بحران عراق را نهادهای چند جانبه‌ای همچون شورای امنیت می‌داند، به شدت در برابر عراق طرفدار روش‌های چند جانبه و روش‌های دیپلماتیک است و تأکید واشنگتن بر روش نظامی را مطلوب نمی‌داند؛ وی می‌افزاید اتفاق نظر و اجماع اروپایی در زمینه مخالفت با

تهاجم یکجانبه امریکا از سوی اروپا در نشست وزرای خارجه اتحادیه در سپتامبر ۲۰۰۲، نشان از مخالفت نهان و آشکار اروپا با طرح حمله یکجانبه نظامی و اصرار بر مدیریت بحران در چارچوب شورای امنیت دارد. بنابراین اتحادیه اروپا سازمان ملل را تنها جایگزین و بدیل یکجانبه گرای امریکا تصور می کرد. لذاست که دو سوی آتلانتیک پس از جنگ عراق بر سر این مساله که باید استراتژی مشترکی را مبنی بر مقابله با چالش های پیش رو اتخاذ کنند، به اجماعی دست یافتند.

دیوید دراگر مقاله ای با عنوان «عراق، سیاست امریکا و آینده اتحاد فرآتلانتیک» در «Strategic In Sights» در ژوئای ۲۰۰۵ به چاپ رسانده است که در آن نویسنده اشاره می کند به این که اروپایی ها سال هاست که به طور نظام مند، عناصر حاکمیت دولت را به یک حاکمیت گسترده تر اروپایی واگذار کرده اند و شاید به همین دلیل نیز مداخله یکجانبه گرایی - که به مثابه نوعی ایمان آن را پذیرفته اند - می دانند. لذاست که ایالات متحده جهت دفع چالش های منطقه ای و بین المللی و جهت حفظ همکاری بین المللی بلند مدت با مهمترین متحدان اقتصادی و نظامی، در دور دوم دولت بوش، حرکت هایی را جهت دیپلماسی موثرتر با این کشورها در قالب سیاست «دیپلماسی، دیپلماسی، و دیپلماسی بیشتر» اتخاذ نموده است.

دکتر ابراهیم متقی در مقاله ای تحت عنوان «تحول در راهبرد دفاع ملی امریکا، از جنگ پیش دستانه تا بازدارندگی منطقه ای»، در فصلنامه راهبرد دفاعی، پاییز ۸۷، مطرح می کند که ایالات متحده در روند بحران های منطقه ای با آمدن رابرت گیتس درصدد برآمد تا برای چند جانبه گرایی و رفتار راهبردی امریکا و ائتلاف با متحدان

(اروپایی) ابتکارهای موثری را به کار گیرد . در این ارتباط موضوع جنگ پیش دستانه تحت الشعاع چند جانبه گرایی ، ائتلاف و نهادگرایی قرار گرفت . از سویی شاهد جابجایی رفتار راهبردی امریکا از فضایی پیش دستانه پس از ۱۱ سپتامبر به حوزه بازدارنده و از الگوی معطوف به یکجانبه گرایی به نشانه هایی از چند جانبه گرایی طی سال های ۲۰۰۶ به بعد می باشیم . وی معتقد است این امر را می توان در زمره مقتضیات ساختاری بین الملل و دگرگونی فضای قدرت بازیگران مورد توجه قرار داد .

## ساختار پژوهش

تحقیق مورد نظر شامل ۵ فصل و یک قسمت نتیجه گیری است. در فصل اول که به طرح تحقیق اختصاص دارد، به طرح موضوع و سؤال و فرضیه اصلی و متغیرها اختصاص یافته است. فصل دوم، چارچوب نظری پژوهش در قالب دو گفتار می باشد. گفتار اول به رهیافت رئالیسم تهاجمی و گفتار دوم به جایگاه ایالات متحده در این رهیافت می پردازد.

فصل سوم که شامل ۳ گفتار است، به بررسی روابط فرآتلانتیک در دور اول دولت بوش اختصاص یافته، به طوری که در گفتار اول نگاهی گذرا به روابط اروپا - آمریکا در دوره جنگ سرد و پس از آن پرداخته ایم تا بتوانیم به درستی تغییرات حاصله در روابط دو سوی آتلانتیک را پس از ۱۱ سپتامبر درک کنیم. گفتار دوم روابط اروپا و آمریکا را پس از ۱۱ سپتامبر تا جنگ عراق و کمی پس از آن (تا اوایل ژانویه ۲۰۰۴) مورد بررسی قرار می دهد. با بررسی روابط دو سوی آتلانتیک در گفتار دوم که پایان زمامداری بوش در دور اول ریاست جمهوری دولت اوست، در گفتار سوم به چالش ها و تعاملات دوره نخست ریاست جمهوری بوش پرداخته ایم. چرا که این دوره به دلیل اتخاذ یکجانبه گرایی بوش در حوزه های دفاعی - امنیتی، سیاسی و مسائل مربوط به حوزه خاورمیانه به شکاف دو سوی آتلانتیک در حوزه های مذکور انجامیده است.

در فصل چهارم روابط فرآتلانتیک پس از بحران عراق تا پایان ریاست جمهوری بوش مورد بررسی قرار می گیرد. فصل چهارم نیز شامل سه گفتار می باشد که در گفتار اول به بازسازی روابط پس از جنگ عراق اختصاص یافته است. در این دوره که ایالات

متحده با چالش های متعددی روبرو می شود و بخصوص بحران عراق که به قول رابرت جرویس به پاشنه آشیل دولت بوش تبدیل شده در نهایت به همسویی فرآتلانتیکی و تلاش های چندجانبه گرا منجر می گردد . این همسویی آتلانتیکی در گفتار دوم نوعی حرکت های چندجانبه دولت بوش را در مسائل و معضلات جهانی نشان داده است . گفتار سوم به طور مفصل و جداگانه ای راهبرد اروپا - امریکا را در قبال بحران هسته ای ایران که مطالعه مورد ماست ، اختصاص یافته است .

در فصل پنجم که کار اصلی و هدف این پژوهش را روشن می کند به مقایسه اروپا - امریکا اختصاص یافته است . لذا در گفتار اول در راستای اثبات فرضیه خود مولفه های موثر در چندجانبه گرایی بوش و ایالات متحده را بررسی کرده و در گفتار دوم از فصل پنجم بازسازی اتحاد آتلانتیکی که متاثر از تلاش های چندجانبه دولت بوش است ، مورد مطالعه قرار می گیرد و در نهایت به نتیجه گیری پرداخته ایم .

# فصل دوم

چارچوب نظری پژوهش